

راز شهادت ادواردو آنیلی

به گزارش رهیافتگان شهید (مهدی) ادواردو آنیلی فرزند جیانی آنیلی سناتور و میلیاردر ایتالیایی، صاحب کارخانه ماشین سازی فیات، فراری، اوبکو، لامبورگینی، لانچیا، آلفارمو، چندین کارخانه صنعتی، بانک‌های خصوصی، شرکت‌های طراحی مد و لباس، روزنامه‌های لاستامپا، کوریره، دلاسرا و باشگاه فوتبال یوونتوس، در ۶ ژوئن ۱۹۵۴ در نیویورک به دنیا آمد.

او تحصیلات مقدماتی را در ایتالیا و سپس در کالج آتلانتیک انگلستان گذراند. پس از آن در رشته ادیان و فلسفه شرق از دانشگاه پرینستون آمریکا با درجه دکترا فارغ التحصیل شد.

اجداد ادواردو با راهاندازی کارخانه فیات در ایتالیا این صنعت عظیم را در آنجا بنا گذاشتند که امروزه بستگانش سهامدار عمده شرکت فیات، صاحب بانکها و بیمهها، باشگاه یوونتوس ...و



هستند. پدر ادواردو

کاتولیک و مادرش یک پرنسس یهودی است.

گفته می‌شود هدف اصلی یهودیان در وصلت با خانواده آنیلی تلاش برای تصاحب اموال میلیاردری این خانواده بود به همین دلیل بعدها خواهر ادواردو نیز به عقد یک خبرنگار یهودی به نام «الکان» در می‌آید، که این ازدواج با وجود چهار فرزند به طلاق می‌انجامد و ازدواج مجدد خواهر ادواردو با یک مسیحی صورت می‌گیرد و از اینجا به بعد، یک نوع رقابت بین یهودیت و مسیحیت در مورد فرزندان خواهر ادواردو به‌وجود می‌آید.

بی‌اهمیتی ثروت آنیلی برای ادواردو و تمایلش به اسلام، موجب می‌شود که پدرش حاضر

نشود میراث خانواده را به او بسپارد؛ لذا جیانی آنیلی پسر برادرش که یک مسیحی بود را به‌عنوان جانشین ادواردو تعیین می‌کند. اما چیزی نمی‌گذرد که خبر مرگ پسرعموی ادواردو بر اثر سرطان ناشناخته‌ای می‌پیچد. این مرگ نیز از مرگ‌های مشکوک خانواده آنیلی بود؛ چرا که اگر وی به عنوان وارث اموال آنیلی زنده می‌ماند، مدیریت این ثروت عظیم به یک مسیحی تعلق می‌گرفت و این خلاف خواسته یهودیان بود

راز شهادت ادواردو آنیلی و توطئه یهودیان

۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ (۲۴ آبان ۱۳۷۹) جسد ادواردو در زیر پل «ژنرال فرانکو رومانو» پیدا شد، ظاهر قضیه نشان می‌داد که وی از روی پل به پائین پرت شده است.

دکتر باوا می‌گوید: «ادواردو تصمیم داشت با ایجاد تغییراتی اساسی در قسمت مدیریت تجاری شرکت فیات به زد و بندها پایان دهد. نکته دیگر این است که به غیر از دادستانی ایتالیا، گزارش اداره پلیس جنایی ایتالیا در دست من است که با ارائه شواهدی سعی کرده‌اند قتل او را یک خودکشی جلوه دهند. شواهد صحنه قتل همگی حکایت از غیرواقعی بودن خودکشی دارند.

به عقیده من کسی از آشنایان خانواده آنیلی یا افرادی که در منزل آنها رفت و آمد می‌کرده‌اند، ادواردو را در خانه به قتل رسانده و سپس جنازه او را به زیر پل انتقال داده‌اند.

جالب این‌جاست که جورجو برادر سناتور آنیلی نیز در سن ۳۶ سالگی به مرگ مشکوکی در سال‌های دور کشته شده و سهم او بین بقیه تقسیم گشته بود. شورای رهبری نیز «جاکوب الکان» خواهرزاده وی که از پدری یهودی بود را به جانشینی انتخاب کرد. این انتخاب ادواردو را به شدت ناراحت کرد. او این بار سکوت نکرد و حتی با قدرت در مقابل خانواده‌اش که تصمیم داشتند نام خانوادگی جان الکان را به آنیلی تغییر دهند، ایستاد و اجازه این کار را نداد.

وی مصاحبه‌ای با روزنامه «مونیفست» که متعلق به حزب چپ ایتالیا و به لحاظ سیاسی مخالف پدرش بود انجام داد و به شدت انتقاد کرد. او در این مصاحبه گفته بود که درست بعد از تشییع جنازه پسر عمویش، جاکوب الکان که هنوز ۲۲ سالش نشده به سمت هیات مدیره فیات منسوب شده بوده و او فکر می‌کند که این انتخاب، یک سقوط برای دم و دستگاه در بر داشته باشد.

در دهه ۹۰ هیچ‌گونه مسئولیتی نداشت و اغلب اوقات را با مطالعه، سفر، روزنامه‌نگاری و فعالیت‌های بشر دوستانه گذراند. پدرش او را تهدید به محرومیت از ارث در صورت عدم ترک اعتقاد به اسلام کرده بود و او برای حفظ دینش حاضر به گذشت از میلیاردها دلار

ثروت شده بود. او به خاطر اسلام آوردن، به شدت تحت فشار خانواده بود تا دست از اسلام بکشد.

او در خانه خیلی تنها بود. حتی نامزدش به خاطر اعتقاداتش او را ترک کرده بود. ادواردو خیلی تلاش کرد که وی را مسلمان کند، ولی علیرغم تلاش‌های او، وی مسلمان نشد. وی مایل بود که با یک دختر مسلمان ازدواج کند، ولی با فشارهایی که خانواده‌اش به او می‌آوردند و روزها و ساعت‌ها او را در منزل خودش محبوس می‌کردند، وی به خودش اجازه این‌که کس دیگری را وارد این همه عذاب کند، نداد.

ادواردو نگران سوءقصد از سوی صهیونیست‌ها بود و به آقای قدیری گفته بود که آن‌ها او را به خاطر اسلام آوردنش خواهند کشت و قتل او را به خودکشی، حادثه غیرمترقبه یا بیماری نسبت خواهند داد و حتی او را به زور در یک درمان‌گاه روانی خصوصی ویژه میلیاردرها در نزدیکی مرز سوئیس به طور کاملاً مخفی بستری کرده بودند و بالاخره همان‌طور که خود ادواردو حدس می‌زد، در ۱۵ نوامبر سال ۲۰۰۰ (۲۴ آبان ۱۳۷۹) در یک واقعه مشکوک در سن ۴۶ سالگی به شهادت رسید.

در آن روز معاون شبکه حمل و نقل تورینو ساوونا، در حال گشت‌زنی روزانه‌اش بود که در میانه راه به اتومبیل فیات کرومای خاکستری رنگی برخورد که در وسط پل رومانو بدون سرنشین پارک شده بود. چراغ راهنمای ماشین روشن بود و درها قفل نشده بودند. او ابتدا فکر می‌کند که اتومبیل دچار نقص فنی شده و راننده آن پای پیاده به تعمیرگاهی در حوالی آن جا رفته است، اما وقتی پرسنل تعمیرگاه از مراجعه چنین شخصی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند، فرانکلینی متوجه می‌شود که باید اتفاق وحشتناکی افتاده باشد. به محل پارک اتومبیل باز می‌گردد و به آرامی از نرده‌های پل به پایین نگاه می‌کند و جسد مردی را در ارتفاع یک و نیم متری می‌بیند که با صورت بر روی زمین افتاده است.

او به سرعت نیروی پلیس را خبر می‌کند. ساعت ۱۱ نیروهای پلیس بالای سر جسد می‌رسند. صورت مرد در اثر ضربه به شدت مجروح شده است. اما کارت شناسایی‌ای که در جیب کتش یافت شد، متعلق به ادواردو آنیلی، تنها پسر سناتور جیووانی آنیلی است که در زیر پل "ژنرال فرانکو رومانو" پیدا شده است.



ظاهر قضیه نشان می‌داد که وی از روی پل به پائین پرت شده است و رسانه‌ها عمدتاً خودکشی را به او نسبت دادند، موضوع مرگ وی از همان روز اول تا چند روز در راس اخبار قرار گرفت و هزاران سایت اینترنتی، روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی در مورد درگذشت او اخباری را پخش کردند.

این رسانه‌ها، "ادواردو" را فردی حساس، گوشه‌گیر، منزوی، خجالتی، معتاد و بیمار توصیف کردند، اما در میان حجم عظیم اخبار منتشره، خبری از انجمن فارغ‌التحصیلان ایتالیا منتشر شد که ادواردو را یک مسلمان شیعه معرفی کرد و ادعا نمود که وی توسط عوامل صهیونیست به شهادت رسیده است. اما علیرغم ارسال این خبر برای رسانه‌های مختلف، هیچ‌کدام حتی اشاره‌ای هم به آن نکردند.

قاضی پرونده، یک روز پس از مرگ وی اعلام کرد که او خودکشی کرده است که بنابراین تحقیقات خاصی انجام نشد و جسد وی بدون کالبد شکافی در همان روز دفن شد. دکتر "مارکوبا وا" که یکی از دوستان ادواردو می‌باشد، می‌گوید: «برای من عجیب است که چه‌طور وی را کالبد شکافی نکردند در حالی که این‌جا اگر سگ‌ها و گربه‌ها در کنار خیابان بمیرند، کالبد شکافی می‌شوند.»

قدیری ایبانه معتقد است که صهیونیست‌ها، زنان یهودی را در سر راه زندگی مردان ثروتمند قرار می‌دهند تا بدین‌وسیله راه انتقال ثروت به جامعه یهودی را باز کنند. حتی ازدواج مادر ادواردو که یک پرستار یهودی بود و ازدواج اول خواهر ادواردو هم حساب شده و برنامه‌ریزی شده است و مرگ‌های مشکوکی که در این خانواده‌های ثروتمند رخ می‌دهد، در جهتی است که در تقسیم ارث در نهایت، قدرت و ثروت، هر چند در طول زمان طولانی، به یهودیان منتقل می‌گردد.»

با مرگ جورجو، برادر سناتور آنیلی نیز در سن ۳۶ سالگی و با فوت مشکوک جووانینو، پسرعموی ادواردو آنیلی و کشته شدن خود ادواردو که عنوان خودکشی بر آن گذاشته شده بود، مدیریت و عمده ثروت فیات (با توجه به فوت پدر ادواردو که بعد از فوت ادواردو رخ داد)، از دست کاتولیک‌ها خارج و به دست یهودی‌ها افتاد.

بالاخره پزشک قبرستان «فوسانو»، بدون کالبد شکافی و کم‌ترین تحقیقی، گواهی دفن ادواردو را صادر کرد و پیکر او را در کلیسایی در روستای «ویلارروزا» در آرامگاه خانواده آنیلی به خاک سپردند.

و حرف آخر متن زیر قسمت پایانی نامه‌ای است که ادواردو مهدی آنیلی در تاریخ ۳ می ۱۹۸۰ نوشته است.

امیدوارم □ شما را هدایت کند. امیدوارم او شما را حفظ کند، لطفاً محتاط باشید؛ زیرا من امروز احساس قوی‌ای نسبت به شما دارم. امیدوارم □ همیشه با ما باشد.